

تبیین شیوه‌های مناسب و مؤثر تدریس

دکتر میرهاشم ابراهیم‌زاد یزدانی
عضو هیئت علمی دانشگاه شهید رجایی و مدیر کل فرهنگی دانشگاه تربیت معلم

۱. یادگیری از طریق همیاری (cooperative learning)

هدف:

کار و بحث گروهی، در عین این‌که یک روش آموزشی است، برای ما هدف نگرشی بسیار مهمی تلقی می‌شود. کار گروهی فرصت ایجاد نگرش‌های مثبت نسبت به محیط‌های آموزشی است و مباحث درسی را در ذهن‌های فراگیران به وجود می‌آورد و تعامل عاطفی را بین آنها تقویت می‌کند.

انسان موجودی اجتماعی است. کار و بحث گروهی، فراگیران را با مشکلاتی که بر سر راه زندگی اجتماعی آنها وجود دارد، آشنا می‌کند و راه مقابله و برطرف کردن مشکلات را به آنان می‌آموزد. در واقع، این نم‌رینی کوچک برای رسیدن به زندگی اجتماعی بهتر است. در جریان کار گروهی، فراگیران علاوه بر تجربه‌اندوزی در تقسیم‌کار و مسئولیت، تجربیاتی نیز در زمینه مدیریت و سازمان‌دهی فعالیت‌ها به دست می‌آورند.

شرکت در کار و بحث گروهی باعث ایجاد یادگیری عمیق‌تر و ماندگارتر می‌شود.

نکات اجرایی:

در حال حاضر، در کلاس‌های معارف به فراگیری بر می‌خوریم که در یک زمینه خاص دارای اطلاعاتی زیاد و حتی بیشتر از مربی هستند. آنها معمولاً این اطلاعات را از طریق خانواده، تحصیلات، تجارب شخصی و دیدن فیلم، مطالعه کتاب و حتی مسافرت و تجربه عملی کسب می‌کنند. در بحث گروهی، مربی با ایجاد فضای بحث گروهی، کلاس را از اطلاعات این‌گونه فراگیران بهره‌مند می‌کند و در عین حال، این افراد نیز تشویق می‌شوند.

در بحث و کار گروهی، مربی باید مراقب باشد که هیچ کدام از فراگیران، منزوی و گوشه گیر نباشند و همه در کار گروهی مشارکت کنند. کار گروهی روحیه همفکری، همیاری و همدلی را در فراگیران افزایش می‌دهد و جلوی رقابت ناسالم را می‌گیرد.

تعداد افراد گروه با توجه به نوع فعالیت متفاوت است و به امکانات کلاس و سن فراگیران نیز بستگی دارد. هم چنین تقسیم کار باعث ایجاد انگیزه و پویایی در گروه می‌شود. مربی باید مراقب باشد تا در حین انجام کار گروهی، فراگیران از موضعی که باید در مورد آن بحث کنند و کار گروهی انجام دهند، منحرف نشوند و در صورت انحراف، باید آنان را با روش‌های مناسب به سوی هدف اصلی سوق دهد.

هدف اصلی در کار و بحث گروهی، انجام دادن کار به صورت گروهی است، نه به صورت انفرادی در گروه.

در کار گروهی، یکی از مشکلات اصلی شکل آرایش محیط آموزشی است. تغییر آرایش کلاس با تشکیل کلاس در محیط خارج از کلاس، فرصت‌های مناسب و جذاب را برای یادگیری بهتر فراهم می‌کند.

به عنوان نکته آخر در این بحث متذکر می‌شویم که در این روش نیز باید جلوی افراط و تفریط را گرفت. انجام دادن کار گروهی نباید به معنای نفی و فراموش کردن فعالیت‌های انفرادی باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲. روش پرسش و پاسخ: پرتال جامع علوم انسانی

هدف

در کلاس درس معارف عقیدتی، یکی دیگر از روش‌هایی که به کارگیری آن، فراگیران را به سمت یادگیری فعال سوق می‌دهد، روش «پرسش و پاسخ» است. در یک کلاس فعال و خوب معارف، هم فراگیران و هم مربی سؤال کننده و پاسخ دهنده هستند. اما نکته اساسی چگونه پرسیدن و چگونه پاسخ دادن است.

پرسش‌های ما، در واقع بازتاب میل درونی ما نسبت به فهمیدن و دانستن است.

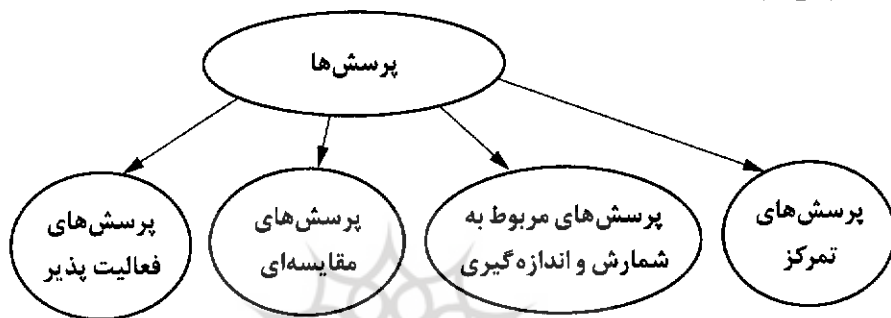
اصولاً منشأ تولید علم و دانش بشر را می‌توان همین کنجکاو و میل درونی دانست.

اهمیت روش پرسش و پاسخ در آموزش معارف به حدی است که آن را یکی از روش‌های مهم آموزش معارف می‌دانند. این روش، به روش سقراطی معروف شده است و ریشه تاریخی

نیز دارد. در روش سقراطی، مربی با طرح پرسش‌های هدفدار، یادگیرنده را به سمت فهم مطالب مورد نظر هدایت می‌کند.

نکات اجرایی:

به دلیل اهمیت این روش و برای ترویج به کارگیری آن در کلاس معارف، ما باید درباره چگونگی پرسش و پاسخ اطلاعات کافی داشته باشیم. اصولا پرسش‌های به چند دسته تقسیم می‌شوند:



الف. پرسش‌های تمرکز دهنده:

این‌گونه پرسش‌ها توجه فراگیران را به موضوع فعالیت جلب می‌کنند؛ طرح این پرسش‌ها سبب می‌شود که فراگیران فعالیت‌ها را دقیق‌تر و هدفدارتر انجام دهند.

ب: پرسش‌های مربوط به شمارش و اندازه‌گیری:

پرسش‌هایی هستند که باعث دقیق‌تر شدن انجام فعالیت می‌شوند؛ چنین پرسش‌هایی باعث کمی‌تر شدن فعالیت‌ها می‌شوند.

پ: پرسش‌های مقایسه‌ای:

این پرسش‌ها فراگیران را به سمت مقایسه دو کمیت، دو چیز یا دو پدیده سوق می‌دهند و آنان را به مشاهده گرانی دقیق تبدیل می‌کنند.

ت. پرسش‌های فعالیت پذیر:

این پرسش‌ها فراگیران را به انجام دادن فعالیت دعوت می‌کنند و آنان را برای پاسخ دادن به این پرسش‌ها مجبور به انجام دادن فعالیت می‌کند.

بهترین نوع پرسش‌ها، پرسش‌های «فعالیت طلب» هستند؛ یعنی، پرسش‌هایی که فراگیر را به انجام دادن فعالیتی برای پاسخ‌گویی و در نتیجه، یادگیری فعال وامی‌دارند.

با وجود این که پرسش‌های عمومی به طور کلی می‌توانند به ایجاد و تقویت یک یا چند مهارت در فراگیر بینجامد اما برای نیل به هر یک از مهارت‌ها نیز می‌توان پرسش‌های اختصاصی مطرح کرد که پاسخ‌گویی به هر کدام از آنها، فراگیران را به طور ویژه به یکی از مهارت‌ها می‌رساند. پرسش‌ها را می‌توان به دو گروه «هم‌گرا» و «واگرا» نیز طبقه‌بندی کرد. پرسش‌های هم‌گرا: پرسش‌هایی هستند که پاسخ مشخص و ثابتی دارند و پاسخ آنها به شرایط مختلف و نظر پاسخ‌دهنده بستگی ندارد.

پرسش‌های واگرا: پرسش‌هایی که از منظرهای متفاوت می‌توانند پاسخ‌های مختلفی داشته باشند و پاسخ آنها گاهی وابسته به زاویه دید پاسخ‌دهنده است. در مقابل هنر خوب پرسیدن، هنر خوب پاسخ دادن نیز وجود دارد.

هر سؤال فراگیر در واقع آمادگی او را برای یادگیری نشان می‌دهد. این محرک یادگیری نقطه عطف کار مربی است و مربی باید این فرصت را غنیمت بشمرد.

هنگام مواجه شدن با پرسش فراگیر، راه‌های متفاوتی برای پاسخ دادن وجود دارد:

- بعضی از مربیان پاسخ سؤال را مستقیم و به طور کامل در اختیار فراگیر می‌گذارند.
- بعضی دیگر، پرسش را به خود فراگیر برمی‌گردانند و بعضی نیز برای یافتن پاسخ، کتاب‌ها، مجله‌ها و منابع دیگری را به فراگیران معرفی می‌کنند.

○ گروهی نیز پرسش فراگیر را به سمت یک فعالیت مناسب هدایت می‌کنند.

گاهی عکس‌العمل مربی نسبت به سئوالات مطرح شده، در فراگیران بسیار مؤثر است؛ مثلاً، اظهار تعجب، شگفتی و علاقه مربی باعث جلب توجه بقیه فراگیران به سؤال می‌شود. پس هنگام پاسخ دادن به سئوالات فراگیران، اصل این است که مربی از دادن پاسخ صحیح بپرهیزد؛ یعنی آنها را در مسیر یادگیری فعال قرار دهد.

مربی هنرمند، مربی است که پرسش‌های فراگیران را به سلسله فعالیت‌های یادگیری تبدیل کند تا فراگیران با انجام دادن این فعالیت‌ها، به پاسخ پرسش خود برسند.

مربی باید بتواند، در بسیاری از موارد با شهامت کلمه «نه» را به زبان آورد. «نه» گفتن مربی به فراگیران یاد می‌دهد که او دانای کل نیست. بهترین روش پاسخ‌گویی به پرسش‌ها این است که مربی به فراگیران بگوید: «بچه‌ها، بیایید با هم یاد بگیریم.» این کار ترس نداشتن را از فراگیران می‌گیرد و در ضمن، باعث ایجاد رابطه عاطفی بین مربی و آنها می‌شود.

۳. الگوی تدریس E۵ (براساس ساخت‌گرایی)

مقدمه

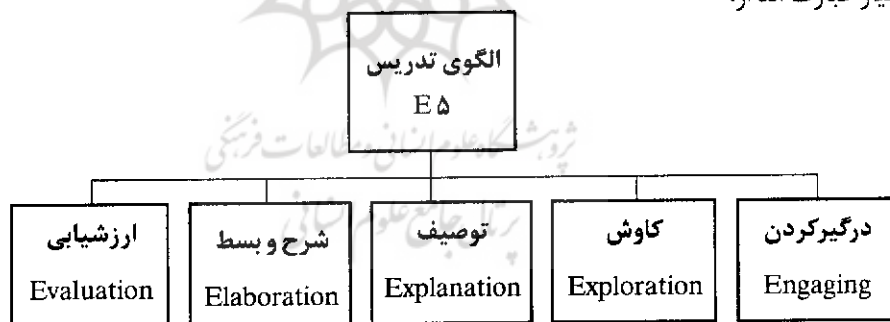
از نظر طبقه‌بندی، روش ساخت‌گرایی جزو روش‌های فعال و اکتشافی است که بر تولید، کنترل و تعمیم دانش تأکید می‌کند.

در فرآیند تدریس ساخت‌گرایی مربی و همه امکانات تسهیل‌کننده هستند و جزو خدمات آموزشی به حساب می‌آیند. بنابراین، در این روش، فراگیر نقش اساسی را ایفا می‌کند.

هدف:

جستجوی فعالانه فراگیرندگان از طریق فعالیت‌های گوناگون برای کشف راه حل‌ها، مفاهیم، اصول و قوانین، یکی از اهداف مهم در این روش است. داشتن روحیه کاوشگری برای ایجاد سؤال، طراحی، اجرا، ابداع و به دست آوردن جواب، یکی از ویژگی‌های ساخت‌گرایی است. این الگوی تدریس از پویاترین و کارآمدترین، الگوهای تدریس است که در بسیاری از کلاس‌های دنیا با موفقیت در حال اجرا است.

مراحل اجرای الگوی تدریس حاضر در ۵ مرحله برنامه ریزی و اجرا می‌شود؛ مراحل مورد نیاز عبارت‌اند از:



دلیل نام‌گذاری الگوی تدریس ساخت‌گرایی به الگوی E۵، آغاز شدن هر مرحله با حرف E است.

مرحله اول: درگیر شدن

این مرحله برای جلب توجه کلاس به موضوع مورد آموزش و ایجاد هیجان و انگیزش در فراگیران طراحی شده است. یک سؤال جالب، یک داستان نیمه تمام، یک عکس خوب، ارائه یک فعالیت مناسب علمی و یا... می‌تواند مورد استفاده مربی قرار گیرد.

مرحله دوم: کاوش

در این مرحله که مطالعه بعد از انگیزه می‌باشد مربی از گروه‌ها می‌خواهد تا به مشاهده عملی نظیر وضو بپردازد. در اینجا مشاهدات فراگیران از وضو می‌تواند شامل مشاهده رفتار و طرز صحیح وضو گرفتن باشد. همه گروه‌ها فعال و مشغول این کار هستند. در این مرحله مربی نقش راهنما را دارد.

مرحله سوم: توصیف

در این مرحله مربی باید رشته کار را به دست فراگیران بدهد. فراگیران برای کار و فعالیت انجام شده توضیح منطقی و مستدل ارائه می‌دهند و به توصیف مشاهدات می‌پردازند. بحث بین فراگیران آغاز می‌شود و آنان سعی می‌کنند از مربی سؤال کنند. ولی مربی پاسخ نمی‌دهد و تلاش می‌کند با توصیف، فراگیر خود به دنبال یافتن پاسخ صحیح باشد. فراگیران اطلاعاتی را به دست آورده‌اند. آنها شیوه صحیح را پیدا کرده‌اند، مشاهده دقیق انجام داده‌اند و مشاهدات خود را توصیف کرده‌اند.

مرحله چهارم: شرح و بسط

فراگیران خوشحال هستند و چون با انگیزه کار را شروع کرده‌اند اطلاعات زیادی به دست آورده‌اند. آنها به کتاب‌های دینی مختلف، دائرة المعارف‌ها، نرم افزارهای کامپیوتری و... مراجعه می‌کنند. مربی فقط به فراگیران راه جمع آوری اطلاعات را یاد می‌دهد و نشان می‌دهد که چگونه می‌توانند خودشان مشکلات را حل کنند. در این مرحله مثال‌های اضافی و موارد بیشتری درباره مفاهیم اصلی درس ارائه می‌گردد و از فراگیران خواسته می‌شود تا از آموخته‌ها و یادگیری‌های قبلی برای گسترش و بسط و تعمیم به دیگر مفاهیم استفاده کنند و به این ترتیب در این مرحله مربی خوشحال است که فراگیران را برای تلاش بیشتر و بررسی دقیق تر هدایت کرده است.

مرحله پنجم: ارزشیابی مستمر

در طول انجام فعالیت و از مرحله اول آغاز شده است. در این مرحله برای ارزشیابی پایانی مربی می‌تواند از یک روش بسیار جالب استفاده کند به این صورت که از هر گروه بخواهد گزارش کاملی از رفتار و طرز صحیح وضو گرفتن ارائه دهند.

سپس گزارش را در اختیار گروه دیگر یا حتی کلاس دیگر قرار دهد تا براساس توصیفی که از وضو گرفتن گزارش شده طرز صحیح وضو گرفتن را بشناسند.

مسلم است که هر چه توصیف دقیق‌تر باشد شیوه وضو گرفتن نیز کامل‌تر است و در اینجا حتی یک نوع خود ارزیابی می‌تواند صورت گیرد و خود گروه براساس معیارهای تعیین شده از سوی مربی تشخیص خواهد داد که شیوه به کار برده شده تا چه حد کامل بوده است و این بستگی به انتظار مربی و نوع ارزشیابی دارد.

به طور کلی الگوی E 5 در افزایش سواد علمی در کلیه دروس کاربرد دارد و بسیار موفق بوده است.

در نهایت با توجه به روش‌های مطرح شده، مربیان محترم عقیدتی - سیاسی می‌بایست براساس ساختار محتوای تدریس خود اقدام به الگوی طرح درس با توجه به بررسی‌های انجام شده در خصوص فراگیران و نیازهای واقعی آنها در فرایند یاددهی و یادگیری نمایند.

یکی از عمده‌ترین محورهای توسعه واقعی در فضاهای آموزشی انطباق الگوی تدریس با محتوای تدریس و نیازهای فراگیران در فضای واقعی آموزشی می‌باشد در صورتی که نیازهای واقعی فراگیران توسط سیستم آموزشی انجام گردد و به صورت علمی در اختیار مربیان محترم قرار گیرد این عزیزان می‌توانند با استفاده از روش‌های مطرح شده اقدام به اتخاذ روش نموده و براساس اهداف از پیش تعیین شده تدریس نموده و در نهایت با برگزاری ارزشیابی قانون‌مند و منطقی براساس واقعیت‌های متذکره اقدام به ادامه تدریس نمایند.

ضمناً از تمامی اساتید گرانقدر درخواست می‌گردد با یک دید واقعی به روش‌ها و الگوهای تدریس توجه نموده و با عنایت به تجارب غنی خود اقدام به الگوسازی نموده و فرایند تدریس خود را بنا نمایند.

پرتال جامع علوم انسانی